روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲


# روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۴ اسفند ۱۳۹۷ • ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ • ۲۳ فوریه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۷۳ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۱۲ • اذان صبح‌فردا ۵:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۴۱


روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

## این علائم را می‌شناسید؟

پوریا عالمی

• سوفیا... من امروز فهمیدم قضیه چیست. تو الان از من می‌پرسیدی اینها چرا این‌شکلی هستند. ببین این علائم را می‌شناسی؟

- چشم‌هایشان قرمز است.

(شاید بگویی چشم کسانی که با حرص دست می‌اندازند به جنگل و بودجه و آب و زمین و کوه و آینده قرمز است).

- خنده‌های بی‌دلیل و بی‌موقع دارند.

(شاید بگویی سیاست‌مداران وقتی ازشان سؤال جدی می‌کنی، یکهو بی‌دلیل و بی‌موقع می‌خندند).

- افزایش ضربان قلب دارند.

(شاید بگویی ضربان قلب بعضی‌ها با دیدن رانت و موقع هپل‌هپوکردن بودجه زیاد می‌شود).

- شوک عصبی دارند.

(شاید بگویی بعضی‌ها عاشق شوک‌دادن به بازار و مردم هستند تا سود کنند).

- افزایش اشتها دارند.

(شاید بگویی طوری اشتها دارند که آدم را با کفش‌هاش می‌خورند و زمین را با درخت‌هاش و کارخانه‌ها را با کارگرهاش).

- خشکی دهان دارند.

(شاید بگویی اینها، هم ناخن‌خشک هستند، هم آب از دستشان نمی‌چکد، هم دهان‌خشک هستند و یک حرف شیرین از دهانشان بیرون نمی‌آید و فقط تلخی به جهان اضافه می‌کنند).

- بینایی و بویایی قوی دارد. بوها را بیشتر حس می‌کند و رنگ‌ها را بهتر تشخیص می‌دهد.

(شاید بگویی اینها می‌فهمند و بو می‌کشند که کی باید ملک بخرند، کی دلار بخرند، کی طلا بخرند، کی پوشک و...).

- چرت‌های بی‌موقع و بی‌خوابی می‌زنند.

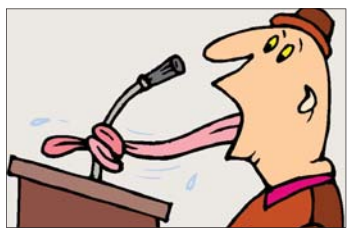

(شاید بگویی وسط جلسه جدی چرت می‌زنند).

- به‌هم‌ریختن برنامه تغذیه دارند.

(شاید بگویی اینها برنامه غذایی‌شان به‌هم ریخته و هرچی ببینند می‌خورند و زیادی هم می‌خورند).

- اختلالات فکری، روانی و جنسی دارند.

(شاید بگویی اینها این‌طوری هستند).

اما بدان و آگاه باش ای سوفیا! که اینها علائم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نیستند. اینها علائم مصرف حشیش است و دیروز خبرگزاری‌ها گزارش داده بودند که اگر کسی این علائم را داشت، نگران نباشید، چون حشیش مصرف می‌کند و لازم نیست حتما فکر کنید مسئولی، چیزی است و باید پاسخ‌گوی وضعیت باشد.

این هم از نامه علامت‌دار امروز تو؛ عاشق های تو؛ میدون دوم

کارتون خواب

پت بگلی

دور دنیا

## شهرداری که به پلیس شلیک کرد

شهردار یکی از شهرهای ایالت فلوریدا در آمریکا به اتهام تیراندازی به افسران پلیس دستگیر شد. رسانه‌های آمریکایی از بازداشت دیل ماساد، شهردار پورت‌ریچی فلوریدا، خبر دادند که روز پنجشنبه، ۲۱ فوریه (۲ اسفند) قرار بود به علت مصرف داروی بدون مجوز بازداشت شود، اما او به دو نفر از افسران پلیس که در تلاش برای انجام وظیفه با حکم جلب به خانه او مراجعه کرده بودند، شلیک کرد. به گفته رئیس پلیس پاسکوکانتی، شهردار پورت‌ریچی به اتهام اقدام به قتل دو نفر در بازداشت به‌سر می‌برد. ماساد ۶۸ ساله همچنین با اتهام استفاده از داروهای بدون مجوز روبه‌رو است. طبق گزارش دفتر پلیس، هیچ‌گونه آسیبی به مأموران گزارش نشده است و افسرهای پلیس نیز اقدام به شلیک متقابل نکرده‌اند. ظاهرا آقای شهردار از پیش به مصرف مواد مخدر شهرت داشته و سابقه اقدامات خشونت‌آمیز را نیز داشته است. او از سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) شهردار پورت‌ریچی است که در حدود ۴۰ مایلی شمال تامپا قرار دارد. رئیس پلیس در یک کنفرانس مطبوعاتی در روز بازداشت شهردار گفت: «ما می‌دانستیم که بازداشت او در وضعیت بسیار خطرناکی انجام خواهد شد و معلوم شد که تصورمان درست است. مأموران ما کار شگفت‌آوری کردند. آنها کاملا حرفه‌ای هستند و درست آموزش دیده‌اند و مأموریتشان را به خوبی انجام دادند». وی افزود: «او (شهردار) شانس آورده که زنده است». ماساد از سال ۱۹۷۷ تا سال ۱۹۹۲ پزشک بود، اما بر اساس گزارش اداره بهداشت فلوریدا، به علت اثبات قصور پزشکی او که باعث مرگ یک بیمار سه‌ساله در سال ۱۹۹۰ شد، به طور داوطلبانه مجوز اشتغال به حرفه پزشکی خود را پس داد.

یادداشت

# پروپاگاندای تاریخ‌گذشته؛ اولین اصلاح

قادر باستانی

پژوهشگر و مدرس علوم ارتباطات اجتماعی

بیانیه اخیر رهبر معظم انقلاب، درباره آمادگی انقلاب اسلامی برای تصحیح خطاهای گذشته، فرصت مغتنمی برای دست‌اندرکاران امور است که با دید انتقادی، عملکردهای گذشته‌شان را اصلاح کنند. یکی از خطاهای راهبردی‌ای که نیاز فوری به اصلاح دارد، نحوه عملکرد دستگاه رسمی تبلیغات سیاسی کشور است. در اوان انقلاب، همان‌گونه که شعارهایی نظیر «مبارزه با امپریالیسم»، از ادبیات مارکسیستی به شعارهای انقلاب اسلامی رسوخ پیدا کرد، پروپاگاندای نظام نیز از شیوه و روش انقلابی کشورهای سوسیالیستی، از جمله رسانه‌های اتحاد جماهیر شوروی، تأثیری عمیق پذیرفت. مشی رسانه‌هایی مثل روزنامه پراودا، خبرگزاری تاس و رادیو تلویزیون دولتی مسکو، خواسته و ناخواسته، وجهه عمل غالب رسانه‌های دولتی ایران واقع شد که تا به امروز کمابیش این روش، به‌ویژه در رسانه ملی و برخی رسانه‌های اُرگانی و انقلابی، ادامه داشته است.

وجه غالب این مشی تاریخ‌گذشته، تبلیغات پُرحجم، حذف صدای مخالف، کم‌توجهی به خواست مخاطبان، تلاش برای انتقال دیدگاه به روش تزریقی، مرزبندی تنگ‌نظرانه، تحقیر و توهین به مخالفان و تبدیل مخالف به معاند، لحن حماسی و آمرانه و نیز تمرکز تبلیغی روی اشخاص خاص بوده است. گویا این روش برای مخاطب منفعل که دسترسی به رسانه دیگر ندارد، اثرگذار است؛ البته فروپاشی اتحاد شوروی، نشان داد که این اثرگذاری هم ظاهری و نمایشی است و اثربخشی واقعی و بلندمدت ندارد.

شاید متولیان رسانه ملی و رسانه‌های همسو و هم‌روش با آن، چنین انگی را نپذیرند، اما واقعا یک بار هم که شده به حرف رهبری بدون سوگیری توجه کنند و برای اصلاح خطا، با دید انتقادی به عملکرد گذشته خود بنگرند. آنها در چهار دهه گذشته، چقدر مراقب اعتبار رسانه خود بوده‌اند؟ چقدر به اعتماد مخاطب اهمیت داده‌اند؟ چقدر اخبار را دست‌کاری کرده‌اند و تفسیر را به جای خبر، به خورد مخاطب داده‌اند؟ چقدر شعارهای توخالی و غیرواقعی داده‌اند؟ چقدر تریبون خود را صرفا در اختیار افراد یک طرف ماجرا قرار داده‌اند؟ چرا در غالب انتخابات در دو، سه دهه گذشته، اکثریت مردم، نامزدی را انتخاب کرده‌اند که کاملا در نقطه مقابل تبلیغات سیاسی آنها قرار داشته است؟ چرا ریزش مخاطب در این رسانه‌ها، بی‌وقفه استمرار داشته و جذب مخاطب رسانه‌های بیگانه، روند صعودی یافته است؟ چرا یک رسانه ایدئولوژیک غیرحرفه‌ای هماهنگ با سرویس‌های بیگانه، مثل آمدنیوز که ۴۴ درصد اخبار آن خبر جعلی و دروغ است، مرتبه اول بازدید در کانال‌های خبری مبتنی بر موبایل را باید کسب کند؟ چرا باید قطع بودجه دولتی برای رسانه ملی و سایر رسانه‌های همسو، مساوی با مرگ این رسانه‌ها باشد؟

بله! جامه‌عمل‌پوشاندن به خواسته رهبری، مستلزم آن است که این رسانه‌ها اجازه دهند عملکرد گذشته‌شان، بی‌رحمانه نقد شود. متخصصان گستاخ و جسور، خطاها را احصا و راه‌حل‌ها را بیان کنند. آنگاه به دور از سوگیری و تعصب، این راه‌حل‌ها را در ترازوی عقل و منطق قرار دهند و با شجاعت و جسارت به کار بندند. اصلاح خطا، فرصتی است که همواره در دسترس نخواهد بود و البته کار بسیار سختی است؛ به‌ویژه برای رسانه‌هایی که عمری متکلم وحده بوده‌اند و متخصص خوب، برایشان متخصص مطیع و فرمانبر بوده است، انجام چنین کاری، سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. دنیای رسانه امروز، پروپاگاندای گذشته را نمی‌پذیرد. مخاطب دیگر منفعل نیست، خودش کاربر فعال است و دسترسی به همه اخبار و دیدگاه‌ها دارد. این مخاطب، به‌راحتی از خبر دولتی روی برمی‌گرداند و راه خود را می‌رود. زبان او را رسانه‌های حرفه‌ای می‌دانند. استقلال حرفه‌ای رسانه‌ها، دیگر پُز تبلیغاتی نیست، یک واقعیت مسلم است. بنگرید به بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا (بی‌بی‌سی) که بودجه آن از سوی وزارت خارجه انگلیس، تعیین و پرداخت می‌شود، چگونه در قضیه ونزوئلا، در حالی که دستگاه دیپلماسی، رهبر مخالفان را به عنوان رئیس‌جمهور موقت، به رسمیت شناخته است، راه خود را می‌رود و در اخبارش، گوایدو را رئیس‌جمهور خودخوانده خطاب می‌کند. سیاست کلی بی‌بی‌سی، کاملا منطبق بر سیاست بریتانیاست، اما هر کدام روش حرفه‌ای خود را دارند؛ دستگاه دیپلماسی، منافع ملی را در نظر دارد، بی‌بی‌سی هم اعتبار رسانه و اعتماد مخاطب را می‌جوید تا با اثرگذاری بر مخاطب، اهداف همان دیپلماسی را محقق کند. القصه که امروز رسانه ملی در آستانه بهار، به یک خانه‌تکانی اساسی نیاز دارد تا پروپاگاندای نخ‌نماشده تاریخ‌گذشته را وانهد و حرفه‌ای‌گری پیشه کند. این سازمان، انباشته از نیروهای خوب و مجرب رسانه‌ای است که در چنبره تنگ‌نظری و تصمیمات محفلی و خط‌مشی‌های دستوری، مجالی برای خودنمایی نداشته‌اند. اصلاح خطا در این بخش مهم نظام جمهوری اسلامی، شامل دورکردن مغزهای زنگ‌زده و تعصب‌آلود، از نقاط تصمیم‌گیری و میدان‌دادن به عوامل حرفه‌ای است که برابر با سیاست‌های کلی رهبری، کار حرفه‌ای‌شان را سامان دهند و خطاها را با جلب اعتماد مخاطب، تصحیح کنند. آنها برای شروع می‌توانند به طور نمونه از یک شبکه شروع کنند و نتیجه‌اش را ببینند.

دریچه‌ای که رهبری برای اصلاح خطا گشودند، برای رسانه‌های رسمی و ارگانی، موهبتی بزرگ است که نادیده‌گرفتن آن، یا برخورد سطحی، شعاری و مثل همیشه با آن، دیگر قابل‌جبران نخواهد بود. دنیا کوچک و همه چیز عوض شده است؛ آنها که قدرت پذیرش این واقعیت را ندارند، از اکنون خود را باخته به تقصیر فرض کنند.

روایت

## ما، اروپایی‌ها و پول‌شویی

سیدحسین مهرآوران

۱- وزیر امور خارجه آمریکا در واکنش به پرتاب ماهواره پیام، در اظهاراتی پرتاب ماهواره ایرانی را در مخالفت با جامعه بین‌الملل و قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، تلقی و بیان کرد این پرتاب بار دیگر نشان می‌دهد که ایران به دنبال توانایی‌های پیشرفته موشکی است که اروپا و خاورمیانه را تهدید می‌کند. /ایسنا ۲۶ دی

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اعلام کرد که دومین ماهواره جمهوری اسلامی ایران در سال جاری در آستانه دهه فجر پرتاب خواهد شد. /ایرنا ۳ بهمن

وزیر خارجه فرانسه در سخنانی اعلام کرد اگر در مذاکرات با ایران درباره برنامه موشکی بالستیک، پیشرفتی حاصل نشود، آماده اعمال تحریم‌های سخت علیه تهران هستیم. / فارس ۵ بهمن

۲-پرسش‌های ذیل، سؤالات ذهنی راقم سطوری است که دغدغه‌ای فراجناحی دارد؛ به حقوق مسلم ایران در برخورداری از توانمندی‌های مشروع دفاعی و تکنولوژیک باور دارد و از تحریم‌های ناجوانمردانه دولت ایالات متحده علیه ایران عزیز رنجی هر روزه را تجربه کرده است.

الف- در شرایطی که صادرات نفت ایران که پیش از تصمیم به بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای از سوی آمریکا به بالای دو و نیم میلیون بشکه در روز رسیده بود، در ماه نوامبر به زیر یک میلیون بشکه تنزل یافته است - که تقریبا معادل صادرات نفتی ایران پیش از دور قبلی تحریم‌ها و اجرائی‌شدن برجام بوده است- و بهای نفت در ماه‌های اخیر کاهش قابل توجهی یافته و طبق اذعان برایان هوک، آمریکا به دنبال اعطای معافیت‌های بیشتری برای خرید نفت از ایران نیست یا دست‌کم طبق دیدگاه شماری از کارشناسان، به دنبال معافیت از تحریم نفتی ایران به شکلی محدود است و کشور با محدودیت‌های جدی در فروش و دریافت پول نفت مواجه است؛ غیر از آن است که چگونگی کنش‌ها و واکنش‌های کلان دستگاه دیپلماسی و مراکز تصمیم‌گیری در مواجهه با تحریم‌ها و محدودیت‌های روزافزون اقتصادی باید مبتنی بر مصالح عمومی و منبعث از اجماعی ملی باشد؟

ب- در شرایطی که طی ماه‌های اخیر تأسیس سازوکار ویژه مالی (SPV) با تأخیرهای مکرر از جانب اتحادیه اروپا همراه بوده است، تأخیر در تعیین تکلیف لوایح FATF چه هزینه‌هایی را متوجه اقتصاد کشور کرده است؟

ج- در شرایطی که در دنیای امروز همه‌پرسی برای بریدن شاخ گاو و بز در کشوری غربی انجام می‌شود، غیر از آن است که اقتدار بیشتر نظام و جایگاه دستگاه دیپلماسی کشور در مذاکرات بین‌المللی از مسیر مشارکت پررنگ‌تر همه ایرانیان و رجوع به آرای عمومی و نظرسنجی‌های ملی درباره سیاست‌های منطقه‌ای و مسائل کلان ملی حاصل می‌شود؟ آیا جز این است در شرایطی که فشار تحریم‌ها و شرایط ناگوار اقتصادی اخیر بر گرده هم‌میهنان عزیزمان است، مراجعه بیشتر به خواست عمومی به اسلام عزیز، عدالت و آرمان‌های انقلاب و نظام بیشتر نزدیک است؟

دور دنیا

### فرار مالیاتی شرکت‌های چندملیتی

جوزف استیگلیتز، اقتصاددان آمریکایی برنده جایزه نوبل و استاد دانشگاه کلمبیا در یادداشتی به سوءاستفاده شرکت‌های بزرگ که «ادعا می‌کنند مسئولیت اجتماعی دارند» از جهانی‌سازی برای فرار مالیاتی پرداخته و استدلال کرده که «اولین عنصر مسئولیت اجتماعی باید سهم عادلانه در پرداخت مالیات باشد». بخش‌هایی از این مقاله را می‌خوانیم.

در سال‌های اخیر جهانی‌شدن از جنبه‌های تازه‌ای هدف حمله قرار گرفته است. برخی از انتقادات ممکن است نادرست باشد، اما یکی از آنها کاملا بجاست: جهانی‌شدن شرکت‌های بزرگ چندملیتی مانند اپل، گوگل و استارباکس را قادر کرده است از پرداخت مالیات طفره بروند. اپل به تابلوی فرار مالیات شرکتی تبدیل شده است. این ادعای حقوقی را دارد که چندصد نفر از کارکنانش در ایرلند منبع واقعی سود آن هستند و آن‌گاه قراردادی با دولت این کشور بسته است که مالیاتی معادل پنج‌هزارم درصد از سود خود را بپردازد. اپل، گوگل، استارباکس و شرکت‌هایی مانند آنها ادعا می‌کنند که مسئولیت اجتماعی دارند، اما اولین عنصر مسئولیت اجتماعی باید پرداخت سهم عادلانه از مالیات باشد. اگر قرار باشد این شرکت‌ها از پرداخت مالیات طفره بروند، جامعه از کار می‌افتد و از جمله سرمایه‌گذاری دولتی در حوزه اینترنت که حیات اپل و گوگل وابسته به آن است، به حداقل می‌رسد. سال‌هاست که شرکت‌های چندملیتی مسابقه‌ای برای پایین‌آوردن مالیات بین کشورهای مختلف راه انداخته‌اند و به هر کشوری می‌گویند باید مالیات خود را پایین‌تر از رقبا بیاورد. کاهش مالیات سال ۲۰۱۷ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اوج این مسابقه بود. نتایج آن در یک سال معلوم شد: اثر مثبتش در اقتصاد آمریکا به سرعت رنگ باخت و نتیجه‌اش کوهی از بدهی بود (با بیش از یک تریلیون دلار افزایش در سال گذشته). جامعه بین‌المللی در مواجهه با این تهدید که اقتصاد دیجیتال، دولت‌ها را از منابع لازم برای سرمایه‌گذاری محروم خواهد کرد، بالاخره دریافته چیزی اشتباه است. قیمت‌گذاری انتقالی متکی است بر این اصل پذیرفته‌شده که مالیات باید نشان بدهد فعالیت اقتصادی کجا رخ می‌دهد. اما چطور می‌توان این را تعیین کرد؟ در اقتصاد جهانی‌شده، محصولات بارها و بارها از مرزها می‌گذرند و به‌طور معمول در حالت ناتمام هستند: پیراهن بدون دکمه، ماشین بدون گیربکسل، ورقه سیلیسیم بدون تراشه. سیستم قیمت‌گذاری انتقالی فرض می‌کند که می‌توانیم در هر مرحله از تولید ارزشی تعیین کنیم و به این ترتیب ارزش‌افزوده در هر کشور را ارزیابی کنیم اما نمی‌توانیم.

با توجه به نقش فزاینده مالکیت معنوی، ارزش‌گذاری بیش از پیش غیرممکن می‌شود، چون ادعاهای مالکیت به‌راحتی قابل انتقال میان کشورهای مختلف است. به همین دلیل ایالات متحده از مدت‌ها پیش سیستم قیمت‌گذاری انتقالی را درون ایالت‌های کشور کنار گذاشته و این فرمول را پذیرفته که مجموع سود شرکت‌های مربوطه در هر ایالت نسبت به سهم فروش، اشتغال و سرمایه در آن ایالت باشد. باید به سمت چنین سیستمی در سطح جهانی حرکت کنیم.

اما اینکه چطور کار انجام شود، تفاوت بسیار ایجاد می‌کند. اگر فرمول عمدتا بر فروش نهایی مبتنی باشد که در کشورهای توسعه‌یافته زیاد اتفاق می‌افتد، کشورهای در حال توسعه از درآمد مورد نیاز محروم خواهند شد. فروش نهایی ممکن است برای دریافت مالیات از معاملات دیجیتال مناسب باشد، اما برای ساخت و تولید یا سایر بخش‌های لازم برای افزایش اشتغال مناسب نیست. برخی نگران آن هستند که درنظرگرفتن مسئله اشتغال ممکن است رقابت مالیاتی را تشدید کند، چراکه دولت‌ها به دنبال تشویق شرکت‌های چندملیتی برای ایجاد شغل در منطقه خود هستند. پاسخ مناسب این است که یک حداقل مالیات بر درآمد شرکتی در سطح جهانی مورد توافق قرار گیرد. ایالات متحده و اتحادیه اروپا می‌توانند - و باید - خود این کار را انجام دهند.

پروژه استهلاک و تبادل سود گروه OECD / G20 از ابتدای پیدایش سهم مهمی در بازنگری روش مالیاتی شرکت‌های چندملیتی و درک بهتر برخی از مسائل اساسی برعهده گرفته است... اصول استاندارد سادگی، کارایی و عدالت در پرداخت مالیات باید راهنمای تفکر ما در تخصیص «ارزش باقی‌مانده» برای اصلاح سیستم مالیات‌گیری از شرکت‌های بین‌المللی باشد. اما این اصول با حفظ سیستم قیمت‌گذاری انتقالی یا مبتنی‌کردن مالیات بر فروش ناسازگار است. سیاست در این میان نقش مهمی بر عهده دارد. هدف شرکت‌های چندملیتی، کسب حمایت برای ایجاد اصلاحاتی در کشورهاست که به مسابقه کاهش مالیات دامن بزند. دولت‌های برخی کشورهای پیشرفته که این شرکت‌ها نفوذ سیاسی قابل توجهی در آنها دارند، از این تلاش‌ها حمایت خواهند کرد - حتی اگر به ضرر کشورهای دیگر باشد. کشورهای پیشرفته دیگر به بودجه خود توجه دارند و به ضرر کشورهای در حال توسعه از آن برای درآمدزایی استفاده می‌کنند. ابتکار OECD / G20 تلاشی برای ارائه یک «چارچوب جامع» است. چنین چارچوبی باید بر مبنای اصول، نه فقط سیاست باشد. هدف باید درست باشد و به رفاه و منافع بیش از شش میلیارد نفر در کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور اولویت داد.